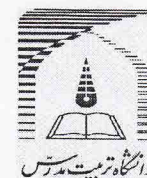


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بسمه تعالی  
تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

خانم / آقای **حامد شیواپور** رساله **واحدی خود را با عنوان: بررسی تحلیل نظریه روح منا در سیر ایشیاستا تر آخ** در تاریخ **۱۳۹۴/۱۲/۲۰** ارائه کردند.  
اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استاد	استاد راهنمای اصلی	۱- استاد راهنمای اصلی
			۲- استاد راهنمای دوم
	استاد	تیم غزلی نائینی	۳- استاد مشاور اول
	دانشیار	تیم مهدي كرامي	۴- استاد مشاور دوم
	استاد	محمد سعید سارف	۵- استاد ناظر
	استاد	امیر رضا رضایی	۶- استاد ناظر
	دانشیار	عمیرینا تارینیا	۷- استاد ناظر
	استادیار	نصرت نیل سناز	۸- استاد ناظر
	استادیار	نصرت نیل سناز	۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

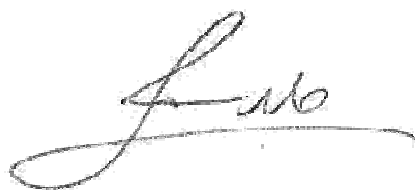
ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.



## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته **الهیات، علوم قرآن و حدیث** است که در سال ۱۳۹۰ در دانشکده **ادبیات و علوم انسانی** دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر **سید محمد باقر حجتی**، مشاوره سرکار خانم دکتر **نهله غروی نائینی** و مشاوره جناب آقای دکتر **حمیدرضا شعیری** از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده رابه عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب **حامد شیواپور** دانشجوی رشته **الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث** مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: **حامد شیواپور**

تاریخ و امضا: ۱۳۹۱ / ۷ / ۳





دانشگاه تربیت مدرس  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه دکتری  
رشته الهیات، علوم قرآن و حدیث

عنوان پایان نامه:

# بررسی و تحلیل نظریه‌ی روح معنا در تفسیر آیات متشابه قرآن

نگارش: حامد شیواپور

استاد راهنما: دکتر سید محمد باقر حجتی

اساتید مشاور:

دکتر نهله غروی نائینی

دکتر حمید رضا شعیری

اسفندماه ۱۳۹۰

تقدیم بہ

موجود سفر کردہ

کہ صد قافلہ دل ہمراہ اوست...

## چکیده:

درباره‌ی چگونگی فهم معنای واژه‌های متشابه قرآن چهار دیدگاه اصلی وجود دارد: دیدگاه اهل ظاهر، نظریه‌ی اشتراک لفظی، نظریه‌ی حقیقت و مجاز و نظریه‌ی روح معنا. طبق نظریه‌ی روح معنا الفاظ بر ارواح معانی وضع شده‌اند و ویژگی‌های مصادیق در اصل معنا دخالت ندارد. بنابراین طبق این دیدگاه کاربرد الفاظ می‌تواند در مصادیق معقول نیز حقیقی باشد. بنابراین الفاظی مانند عرش، کرسی، لوح، قلم و... که در قرآن به‌کار رفته‌اند در مصادیق مجرد و معقول به نحو حقیقی استعمال شده‌اند و طرفداران این دیدگاه نیز در پی آن‌اند که کاربرد حقیقی این الفاظ را تبیین کنند.

این دیدگاه که نخستین بار غزالی آن را طرح کرده، پس از او در آثار بزرگان فرهنگ اسلامی تا روزگار ما پیوسته مطرح بوده است و به‌ویژه بزرگانی چون ملاصدرا، فیض کاشانی، امام خمینی و به‌ویژه علامه‌ی طباطبایی از آن سخن گفته‌اند. در این رساله، این نظریه ابتدا بررسی و تحلیل می‌شود و سپس سیر تاریخی آن از غزالی تا زمان حاضر پی گرفته می‌شود.

## کلید واژگان:

آیات متشابه، الفاظ متشابه، نظریه‌ی حقیقت و مجاز، نظریه‌ی روح معنا، غزالی، علامه طباطبایی

## فهرست مطالب:

### فصل اول: کلیات و مفاهیم

۴	۱- آیات محکم و متشابه در قرآن کریم
۴	۱-۱- تشابه در مفردات (واژه‌های متشابه)
۶	۲-۱- دسته‌بندی واژه‌های متشابه در قرآن
۸	۳-۱- پرسش‌ها و فرضیه‌ها
۹	۲- واژه‌های متشابه در متون مقدس ادیان دیگر
۱۴	۳- تعریف مفاهیم و اصطلاحات
۱۴	۱-۳- معنا
۲۰	۲-۳- واژه
۲۱	۳-۳- دلالت و صدق
۲۲	۴-۳- وضع
۲۳	۵-۳- مفهوم

### فصل دوم: گزارش دیدگاه‌ها

۲۵	۱- مسأله‌ی تشابه در زبان دین
۳۴	۲- گزارش دیدگاه‌ها:
۳۴	۱-۲- نظریه‌ی اهل ظاهر
۳۴	۱-۱-۲- اهل تشبیه و تجسیم
۳۵	۲-۱-۲- اهل توقف
۳۸	۲-۱-۲- مخالفان وقوع مجاز در قرآن
۴۱	۲-۲- نظریه‌ی حقیقت و مجاز
۴۷	۳-۲- نظریه‌ی اشتراک لفظی
۵۰	۴-۲- نظریه‌ی روح معنا

### فصل سوم: تحلیل و تفسیر نظریه‌ی روح معنا

۵۴	۱- بررسی ساختار نظریه‌ی روح معنا
۵۴	۱-۱- تقریرها و تفسیرهای گوناگون از نظریه‌ی روح معنا
۶۰	۲-۱- دلایل معتقدان به نظریه‌ی روح معنا
۶۳	۲- نظریه‌ی روح معنا از منظر دانش‌های گوناگون



۶۳	<b>۱-۲- بررسی کلامی نظریه‌ی روح معنا</b>
۶۳	۱-۱-۲- تشبیه و تنزیه
۶۵	۲-۱-۲- صفات خبریه
۷۰	<b>۲-۲- بررسی منطقی نظریه‌ی روح معنا</b>
۷۲	<b>۳-۲- بررسی فلسفی نظریه‌ی روح معنا</b>
۷۲	۱-۳-۲- چیستی روح معنا از نگاه فلسفی
۷۴	۲-۳-۲- شیئیت شیء به صورت آن است
۷۵	۳-۳-۲- قوه‌ی خیال و عالم مثال
۷۶	۴-۳-۲- نظریه‌ی تشکیک
۷۷	<b>۴-۲- نظریه‌ی روح معنا در آینده‌ی احادیث</b>
۷۷	۱-۴-۲- شواهد حدیثی نظریه‌ی روح معنا
۸۲	۲-۴-۲- کاربرد نظریه‌ی روح معنا در فهم برخی از احادیث
۸۳	<b>۵-۲- تحلیل نظریه‌ی روح معنا از منظر مباحث علم اصول فقه</b>
۹۲	<b>۶-۲- نظریه‌ی روح معنا از منظر دانش‌های زبانی</b>
۹۲	۱-۶-۲- هسته‌ی مشترک معنایی
۹۴	۲-۶-۲- تغییر معنایی
۹۷	۳-۶-۲- رویکرد هم‌زمانی و رویکرد درزمانی در زبان‌شناسی
۹۸	۴-۶-۲- مسأله‌ی پیش‌نمونه‌ها
۹۹	۵-۶-۲- نظریه‌ی منشاء الهی وضع الفاظ
۱۰۰	۶-۶-۲- دیدگاه‌های ویتگنشتاین
۱۰۲	۷-۶-۲- دیدگاه سید قطب

## **فصل چهارم: بررسی تاریخی نظریه‌ی روح معنا**

۱۰۶	<b>۱- غزالی، نخستین طرح‌کننده‌ی نظریه‌ی روح معنا</b>
۱۰۶	۱-۱- مبانی نظریه‌ی روح معنا در اندیشه‌ی غزالی
۱۰۶	۱-۱-۱- موازنه میان محسوس و معقول
۱۰۷	۲-۱-۱- مسأله‌ی تأویل
۱۱۰	۳-۱-۱- اهمیت قوه‌ی خیال
۱۱۲	۱-۲- تبیین این نظریه در سخن غزالی

۱۱۲ ۳-۱- نظریه‌ی روح معنا در آثار دیگر غزالی

۱۲۲ ۴-۱- تفسیر و تحلیل دیدگاه غزالی

## ۲- دیدگاه عارفان

۱۲۶ ۱-۲- زمینه‌های تاریخی

۱۲۹ ۲-۲- عین‌القضات همدانی

۱۳۲ ۳-۲- ابن عربی

۱۳۵ ۴-۲- شارحان مکتب ابن عربی

۱۳۹ ۵-۲- شمس مغربی

۱۳۹ ۶-۲- شیخ محمود شبستری

۱۴۲ ۷-۲- مولانا و مثنوی

## ۳- دیدگاه حکیمان:

۱۴۹ ۳-۱- فیلسوفان پیش از ملاصدرا

۱۴۹ ۳-۲- نظریه‌ی روح معنا در اندیشه و آثار ملاصدرا

۱۵۰ ۱-۲-۳- مبانی نظریه‌ی روح معنا از دیدگاه ملاصدرا

۱۵۰ (۱) مخالفت با ظاهرگرایی

۱۵۱ (۲) مخالفت با تأویل

۱۵۴ (۳) نظریه‌ی تشکیک

۱۵۴ (۴) قوه‌ی خیال و عالم مثال

۱۵۶ (۵) مخالفت با تشبیه و تنزیه محض

۱۵۶ ۲-۲-۳- نظریه‌ی روح معنا در بیان ملاصدرا

۱۶۰ ۳-۳- فیض کاشانی

۱۶۵ ۴-۳- فیاض لاهیجی

۱۶۵ ۵-۳- قاضی سعید قمی

۱۶۹ ۶-۳- ملا علی نوری

۱۷۰ ۷-۳- حکیم سبزواری

## ۴- نظریه‌ی روح معنا از دیدگاه معاصران:

۱۷۳ ۴-۱- آیت الله محمد حسین غروی اصفهانی (مشهور به کمپانی)

۱۷۵ ۴-۲- میرزا جواد ملکی تبریزی

۱۷۶ ۴-۳- امام خمینی

۱۷۷	(۱) آثار تفسیری
۱۸۱	(۲) آثار فلسفی
۱۸۳	(۳) آثار عرفانی
۱۸۵	جمع بندی دیدگاه امام خمینی
۱۸۶	۴-۴- علامه حسن مصطفوی
۱۹۱	۴-۵- شهید مطهری
۱۹۲	۶-۴- علامه‌ی تهرانی
۱۹۲	۷-۴- آیت الله جوادی آملی

## ۵- بررسی تبیین علامه‌ی طباطبایی از نظریه‌ی روح معنا

۱۹۹	۱-۵- وضع زبان
۱۹۹	۲-۵- فهم قرآن و زبان آن
۲۰۵	۳-۵- دیدگاه علامه‌ی طباطبایی درباره‌ی اسماء و صفات الهی
۲۰۷	۴-۵- تفسیر واژه‌های متشابه در المیزان
۲۱۴	۵-۵- تفسیر و تحلیل دیدگاه علامه طباطبایی

## فصل پنجم: ارزیابی نظریه‌ی روح معنا

۲۲۲	۱- نمونه‌هایی از کاربرد این نظریه در تبیین واژه‌های متشابه قرآن
۲۲۷	۲- نظریه‌ی روح معنا و مسائلی درباره‌ی زبان قرآن
۲۲۹	۳- نظریه‌ی روح معنا در بوت‌های نقد

۲۳۹	<b>فهرست منابع</b>
-----	--------------------

## فهرست اختصارات:

این فهرست شامل دایرةالمعارف‌های انگلیسی است که در متن از آنها استفاده شده است:

### **Catholic:**

Marthaler, Berard L. & others (editors). 2003, *New Catholic Encyclopedia*, Thomson/Gale; Washington, D.C.: Catholic University of America.

### **E. of Islam:**

Brill, E.J.. 1993, *Encyclopedia of Islam*, Leiden, New York.

### **Edwards:**

Edwards, Paul (editor). 1972, *Encyclopedia of philosophy*, New York: Macmillan Publishing, reprinted edition.

### **Eliade:**

Eliade, Mircea (editor). 1987, *The Encyclopedia of Religion*, New York, London: Macmillan.

### **Hastings:**

Hastings, James (editor). 1994-2003, *Encyclopedia of Religion and Ethics*, London, New York: T&T Clark.

### **Judaica:**

Roth, Cecil & Wigoder, Geoffrey (editors). 1971, *Encyclopedia Judaica*, Jerusalem, Israel: Kater Publishing House, Ltd.

### **Routledge:**

Craig, Edward. 1998, *Routledge Encyclopedia of philosophy*, London and New York: Routledge.

## مقدمه:

در مورد نوشته‌ی حاضر پیش از آغاز آن چند نکته لازم است تذکر داده شود:

۱- در این رساله، ممکن است بارها مطالبی تکرار شده باشد. این تکرارها هر یک در جای خود قرار دارد؛ زیرا در بخش نخست اصل نظریه‌ی روح معنا تبیین می‌گردد و در بخش‌های بعد، نسبت دانش‌های گوناگون و نیز دیدگاه‌های طرفداران این نظریه با ساختار اصلی و تقریرهای مختلف از آن نشان داده می‌شود. بنابراین از تکرار مطالب بخش نخست در بخش‌های بعد در مواردی ناگزیر بوده‌ایم. ضمناً گاه ممکن است مطالبی از نظرگاه‌های گوناگون بررسی شده باشد که در این صورت نیز از تکرار چاره‌ای نداشته‌ایم.

۲- نویسنده در نقل قول‌های مستقیم، به اصل مطلب وفادار بوده و در رسم‌الخط، ویرایش و احیاناً اغلاط موجود، جز در موارد جزئی، تصرفی نکرده است.

۳- عناوین اصلی و فرعی با شماره‌گذاری از یکدیگر متمایز شده‌اند؛ اما در مواردی که افزایش شماره‌ها به عناوین فرعی‌تر ملال‌آور به نظر رسیده است، از افزودن شماره صرف‌نظر کرده‌ایم.

۴- درباره‌ی ارجاعات نیز نکته‌ی مهمی وجود دارد که باید به آن اشاره شود. در این باره باید دانست که ارجاع به صورت ذکر نام نویسنده و سال انتشار در روش‌هایی مانند روش هاروارد یا روش APA در پژوهش‌هایی کاربرد دارد که در علوم تجربی (و نیز در برخی از علوم انسانی مانند روان‌شناسی، علوم اجتماعی، مدیریت و...) انجام می‌گیرد و زمان پژوهش، تازگی آن و نام نویسنده یا پژوهشگر در آن‌ها اهمیت دارد؛ اما این روش در پژوهش‌های اسلامی اصلاً مناسب به نظر نمی‌رسد و چیزی جز تقلیدی بی‌اساس و نابخردانه از روش‌های غربی نیست. در این گونه پژوهش‌ها آنچه مهم است اشاره به نام کتاب در ارجاعات است و حتی اگر بنابر ذکر نام مؤلف باشد ذکر سال انتشار در برابر نام مؤلف (مثلاً در ارجاع به کافی کلینی یا تفسیر تبیان شیخ توسی) سودی به حال خواننده ندارد و حتی گاه ذکر چنین تاریخ‌هایی در برابر نام نویسنده‌ای مربوط به نزدیک به هزار سال پیش بسیار متکلفانه و حتی طنزآمیز به نظر می‌رسد. امید است که در این روش، دست کم در نوشته‌های مربوط به علوم اسلامی، بازنگری شود.

با این حال نویسنده با وجود عدم رضایت از این روش با توجه به ضوابط نادرست موجود چاره‌ای جز اعمال آن نداشته است. با این حال تنها به ذکر نام نویسنده اکتفا شده و فقط در موارد تعدد آثار از یک نویسنده یا وجود نویسندگان همنام، به تاریخ انتشار اثر اشاره کرده‌ایم. در مواردی هم که

تاریخ اثر مشخص نبوده یا دو اثر با تاریخ یکسان از نویسنده‌ای وجود داشته است، پس از نام نویسنده نام کتاب را ذکر کرده‌ایم. در موارد معدودی هم با توجه به ارجاع درون‌متنی و لزوم اختصار آن، منحصراً ذکر نام کتاب را بیشتر وافی به مقصود یافته‌ایم.

۵- مطالب بدون ارجاع در این نوشته که حاوی نکته‌ای خاص یا تفسیر و تحلیل تازه‌ای است نتیجه تحلیل و برداشت خود نویسنده است.

۶- در این رساله بارها مطالبی آمده است که در بین متخصصان در زمینه‌ای خاص (مثلاً در فلسفه یا عرفان) شهرت دارد. این موارد به دلیل همین شهرت خاص، بی‌نیاز از ارجاع تشخیص داده شده است.

۷- در مورد اعلامی که در متن به نامشان اشاره شده، چند نکته گفتنی است:

- سال تولد و مرگ (در صورت یافت شدن) و نیز شرح بسیار مختصری درباره‌ی اعلام در پاورقی ذکر شده است. جای خالی سال مرگ، به این معناست که شخص مورد نظر هنوز زنده است یا از مرگ او اطلاعی در دست نیست.

- اشاره به شرح حال اعلامی مانند راویان حدیث، اصحاب معصومان علیهم السلام و... لازم به نظر نرسیده است. همچنین شرح حال اعلام مشهور اغلب ذکر نشده است، مگر در مواردی که اشاره به سال تولد و مرگ آنان جایگاه تاریخی‌شان را روشن کند یا وجه دیگری سبب اولویت یافتن چنین اشاره‌ای شود.

- در پاورقی‌ها درباره‌ی اعلام، مطالب افزون بر منابع اصلی در قلاب آورده شده است.

- در مورد اعلام غیرمسلمان، معادل لاتین نام آن‌ها در پاورقی آمده است؛ اما آوردن معادل برای اعلام مشهور (مانند افلاطون، ارسطو و...) نوعی تکلف به نظر می‌رسد. از این رو تنها معادل اعلامی که اندکی غریب‌تر می‌نموده‌اند در پاورقی‌ها درج شده‌اند.

- در شرح حال کوتاه برخی از اعلام در پاورقی‌ها به آنچه مشهور است اکتفا شده و به منبع خاصی ارجاع نداده‌ایم.

به هر صورت، از آن‌جا که عمل به رویه‌ای یکسان در اشاره به اعلام ممکن نبوده است، به‌ناچار از نوعی سلیقه و اجتهاد پیروی کرده‌ایم تا دچار افراط یا تفریط نشده باشیم.

و در آخر: امید است نتیجه‌ی این تلاش به قول حافظ فرزانه، «مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود».

## **فصل اول:** **کلیات و مفاهیم**

## ۱- طرح مسأله: آیات محکم و متشابه در قرآن کریم:

یکی از مباحث مهم در معارف اسلامی بحث درباره‌ی آیات متشابه قرآن است. تقسیم آیات قرآن کریم به «محکم» و «متشابه» نکته‌ای است که در خود قرآن کریم این‌گونه به آن اشاره شده است:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ.» (آل عمران، ۷)

بحث درباره‌ی آیات متشابه قرآن از سویی در تفسیر و علوم قرآن مطرح است و در این زمینه کوشش می‌شود به پرسش‌هایی از این دست پاسخ داده شود که معنای تشابه چیست و معیار و ملاک تمایز آیات محکم از آیات متشابه کدام است. از سوی دیگر بخش مهمی از مباحث درباره‌ی آیات متشابه، به‌ویژه آیاتی که به اسماء، صفات و افعال الهی مربوط هستند، مباحثی است که در کلام، حکمت و عرفان اسلامی مطرح شده است.

### ۱-۱- تشابه در مفردات (واژه‌های متشابه):

معنای آیات متشابه و ملاک تمایز این آیات از آیات محکم هرچه باشد در این نکته نمی‌توان تردید کرد که بخش مهمی از «تشابه» در معنای این آیات از وجود مفردات خاصی در آن‌ها ناشی می‌شود که همان الفاظ موجب تشابه معنای آیه می‌گردد. مراد از این واژه‌ها، الفاظی مانند عرش، کرسی، لوح، قلم، میزان، صراط، جناح، نور، ید، وجه، ساق، سمع، بصر، عین و... است که معنای محسوس و ظاهری آن‌ها به‌تنهایی روشن است (یا دست کم چنین به نظر می‌رسد)، اما در آیاتی که این الفاظ به کار رفته‌اند نمی‌توان این معنا را برای آن‌ها پذیرفت.

یک نمونه‌ی مشهور و جنجالی از این الفاظ در تاریخ اندیشه و فرهنگ اسلامی، معنای «عرش» و استواء» در آیه‌ی پنجم سوره‌ی طه است که می‌فرماید: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى.» در نمونه‌ای دیگر،



در آیه‌ی ۲۵۵ سوره‌ی بقره (مشهور به آیه‌ی الکرسی) خداوند چنین وصف می‌شود: «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» اما جز ظاهریان که معانی محسوس را در مورد خدای متعال می‌پذیرند هیچ‌کدام از دانشمندان مسلمان، اعم از عارفان، حکیمان و متکلمان اشعری، معتزلی و امامی با وجود تفاوت دیدگاه‌های خود، به معنای ظاهری این دو آیه ملتزم نمی‌شوند و نمی‌پذیرند که خدا بر یک تخت ظاهری، از آن‌گونه که در میان آدمیان رایج است، تکیه زده باشد. در این صورت این لفظ و امثال آن از «متشابهات» خواهند بود. البته این نکته قابل بحث است که مراد از تشابه در تفسیر و علوم قرآنی آیا فقط تشابه در ترکیب است یا مفردات را نیز می‌توان متشابه به شمار آورد. به زبان منطقی می‌توان پرسید که آیا اصطلاح تشابه در علوم قرآنی فقط شامل تصدیقات می‌شود یا تصورات را هم دربرمی‌گیرد.

در این زمینه باید گفت که تعبیر قرآن در آیه‌ی هفتم سوره‌ی آل‌عمران، با توجه به قرینه‌ی «آیات محکمات»، «آیات متشابهات» است (مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ...) و در علوم قرآنی عمدتاً از «آیات متشابه» سخن می‌رود. آیات قرآن نیز گرچه در موارد معدودی تنها یک مفرد است (مانند آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی الرحمن: «مدهامتان»)، اما در اغلب موارد، آیات عبارت از یک یا چند جمله است. بنابراین ممکن است گفته شود که تعبیر تشابه در آیات قرآن شامل مفردات یا تصورات نمی‌شود.

با این حال به نظر می‌رسد اطلاق تشابه بر مفردات نیز درست باشد؛ زیرا اولاً در این نکته تردید نیست که برخی از مفردات قرآنی متشابه‌اند و حتی تشابه آن‌ها موجب تشابه در کل ترکیب یا آیه می‌شود. ثانیاً این نکته نیز قابل انکار نیست که در منطق غیر از تصدیقات مجهول، از تصورات مجهول نیز سخن می‌گویند و همان‌گونه که استدلال برای روشن ساختن تصدیقات مجهول است، تعریف نیز برای آشکار شدن تصورات مجهول به کار می‌رود. علاوه بر این، اطلاق تشابه بر مفردات قرآنی در سخن برخی از مفسران و دانشمندان بزرگ مسلمان نیز به کار رفته است. مثلاً راغب اصفهانی<sup>۱</sup> با تفکیک میان تشابه در لفظ، تشابه در معنا و تشابه در هر دو، در بیان انواع تشابه در لفظ چنین می‌گوید: «متشابه از جهت لفظ دو گونه است: نوع اول به الفاظ مفرد بازمی‌گردد. این تشابه یا از جهت غرابت لفظ است مانند الفاظ «أَبٌّ» و «يَزْقُونُ» و یا از جهت مشارکت در لفظ مانند «يد» و «عين». نوع دوم تشابه نیز به کل کلام مرکب بازمی‌گردد.» (راغب، ص ۴۴۴)

<sup>۱</sup> حسین بن محمد راغب اصفهانی (م. ۵۰۲)؛ ادیب، متکلم، مفسر و قرآن‌پژوه ایرانی؛ اهل اصفهان و ساکن بغداد؛ محاضرات الادباء، البلاغ و المفردات فی غریب القرآن از آثار اوست. (دانش‌گستر، ج ۸، ص ۴۹۷)

با این حال حتی اگر در اطلاق تشابه بر مفردات قرآنی نیز چون و چرایی وجود داشته باشد دست کم می توان به اعتبار نقش این الفاظ در ایجاد تشابه در کل ترکیب و آیه، آن‌ها را مجازاً و به تسامح الفاظ یا «واژه‌های متشابه قرآن» نامید. بحث ما در این نوشته درباره‌ی همین واژه‌هاست.

#### ۱-۲- دسته‌بندی واژه‌های متشابه در قرآن:

دیدگاه‌های گوناگون درباره‌ی واژه‌های متشابه (که آن‌ها را بررسی خواهیم کرد) اغلب به دسته‌بندی این واژه‌ها نپرداخته‌اند. اما از آنجا که ملاک کلی هر دیدگاه درباره‌ی بخشی از واژه‌های متشابه، درباره‌ی بخش دیگری از این واژه‌ها نیز قابل تعمیم است، شایسته است ابتدا به انواع این واژه‌ها پرداخته شود. دسته‌بندی این واژه‌ها کار آسانی نیست، ولی می توان در یک طبقه‌بندی کلی آن‌ها را در دو بخش اصلی دسته‌بندی کرد. ملاک کلی این تقسیم نیز آن است که این الفاظ یا به زندگی انسان مربوط‌اند و یا درباره‌ی خداوند به کار می‌روند:

۱- بخش مهمی از این واژه‌ها، الفاظی است که به نحوی به زندگی انسان ربط پیدا می‌کنند. بخش مهمی از این الفاظ بر اشیاء خاصی که کارکرد ابزاری در زندگی انسان دارد وضع شده و معمولاً در کاربرد متعارف آن‌ها، همان معنای محسوس به ذهن متبادر می‌شود. مشهورترین این واژه‌ها عبارت‌اند از: عرش، کرسی، لوح، قلم و میزان. واژه‌های دیگری مانند سور و باب (در آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی حدید: «فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ سُبُورًا لَّهُ بَابٌ»)، کتاب، صور و... را نیز می‌توان در همین طبقه قرار داد.

در قرآن کریم جز این الفاظ مشهور که در اشاره به مفردات متشابه قرآن از آن‌ها بسیار سخن گفته می‌شود، الفاظ بسیار دیگری هم وجود دارد که ممکن است کمتر به عنوان الفاظ متشابه در نظر گرفته شود، اما با نظری دقیق‌تر هرچه درباره‌ی الفاظ متشابه گفته شود درباره‌ی این گروه نیز صدق خواهد کرد. مفرداتی مانند جنت، نار، ظلمات، نور، یوم، موت، حیات و بسیاری از واژه‌های دیگر ممکن است در این گروه قرار گیرند. در بخش‌های بعد با تفصیلی بیشتر این واژه‌ها را بررسی خواهیم کرد.

۲- بخش دوم، واژه‌هایی است که در نسبت با صفات خداوند در قرآن به کار می‌روند. این واژه‌ها

خود به سه بخش قابل تقسیم‌اند:

الف) واژه‌هایی که به اندام و اعضاء مربوط می‌شوند و عبارت‌اند از:

ید («يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»، فتح، ۱۰) و...

وجه («أَيْنَمَا تُولُّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»، بقره، ۱۱۵) و...

عین («وَلِتَصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي»، طه، ۳۹) و...

ساق (در صورتی که مراد از «ساق» در آیهی ۴۲ سورهی قلم، «يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ...»، را طبق برخی از روایات، ساق خداوند بدانیم)،  
سمع و بصر (در بسیاری از آیات).

واژه‌هایی مانند اصبع (انگشت)، انملة (سرانگشت)، قدم، رداء، ازار و... نیز که در روایات به کار رفته‌اند در همین بخش قرار می‌گیرند. واژهی «جناح» نیز که در آیهی نخست سورهی فاطر به فرشتگان نسبت داده شده است می‌تواند به همین بخش ملحق شود.

ب) بخش دوم واژه‌هایی هستند که به صفات و اسماء الهی اشاره می‌کنند، مانند: علم، قدرت، حیات، کلام، حب، رحمت، عظمت، کرامت، عزت و... مراد از تشابه این واژه‌ها آن است که باید روشن شود که آیا این صفات در مورد خداوند به همان معنای خود در مورد انسان و سایر موجودات به کار می‌روند یا برای آن‌ها معنایی دیگر را باید در نظر گرفت؟ شهرستانی<sup>۱</sup> با تفکیک این واژه‌ها از واژه‌های گروه نخست، آن‌ها را «صفات ازلیه» و صفات گروه نخست را به اعتبار ورودشان در شرع، «صفات خبریه» می‌نامد. (شهرستانی، ج ۱، ص ۷۳) در این باره در بحث از ابعاد کلامی نظریه‌ی روح معنا به تفصیل سخن خواهیم گفت.

ج) بخش سوم این الفاظ، افعال خاصی است که در قرآن کریم به خداوند نسبت داده می‌شود. این افعال را به اعتبار معنای تصدیقی و ترکیبی‌شان گرچه شاید نتوان از «مفردات» قرآنی محسوب کرد، ولی با در نظر گرفتن مصدر آن‌ها باز هم می‌توان از چگونگی نسبت آن‌ها با خداوند بحث نمود.

نمونه‌ی برخی از این افعال عبارت‌اند از:

استواء: «اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» (اعراف، ۵۴؛ یونس، ۳؛ رعد، ۲؛ فرقان، ۵۹؛ سجده، ۴ و حدید، ۴)

محبت: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ...» (بقره، ۱۹۵ و ۲۲۲؛ آل عمران، ۷۶ و ۱۵۹؛ مائده، ۱۳)

استهزاء: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» (بقره، ۱۵)،

امر: «أَمَرَ اللَّهُ» (بقره، ۲۷؛ رعد، ۲۱ و ۲۵)،

مکر: «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ» (آل عمران، ۵۴)،

کلام و نظر: «لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ» (آل عمران، ۷۷)،

تأسف و انتقام: «فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ» (زخرف، ۵۵)،

---

<sup>۱</sup> ابوالفتح محمد [بن عبدالکریم] شهرستانی (۵۴۸-۴۶۷/۴۷۹)؛ متکلم اشعری، فقیه، مفسر و فرقه‌شناس ایرانی؛ اهل شهرستان، روستایی در خراسان؛ اثر مشهور او الملل و النحل است. (دانش‌گستر، ج ۱۰، ص ۶۷۲)

سقاییت: «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (انسان، ۲۱)،

آمدن: «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» (فجر، ۲۲)،

غضب: «غَضِبَ اللَّهُ» (نساء، ۹۳؛ فتح، ۶؛ مجادله، ۱۴؛ ممتحنه، ۱۳)،

...

این الفاظ با واژه‌های گروه دوم مرز دقیقی ندارد و چه بسا برخی از واژه‌ها را بتوان از دو منظر در هر دو دسته قرار داد؛ اما آنچه می‌تواند ملاک تمایز دست کم برخی از این واژه‌ها از دسته‌ی قبل باشد آن است که در اغلب موارد، اتصاف خداوند این افعال مجوز اطلاق صفتی بر خداوند نمی‌شود که مبتنی بر آن‌ها باشد. مثلاً نمی‌توان خداوند را «مستوی»، «محب»، «ساقی» و... خواند و با وجود اطلاق افعالی از این ریشه‌ها بر خداوند، چنین صفاتی در شرع به او نسبت داده نشده است.

دسته‌بندی فوق چنان‌که گفته شد نوعی طبقه‌بندی کلی و نمونه‌وار و چه بسا قابل چون و چراست و چنان‌که گفتیم ممکن است گاه نتوان مرز دقیقی میان برخی از این اقسام ترسیم کرد و از این رو بتوان بر آن خرده گرفت، اما فایده‌ی آن این خواهد بود که ما را در شناخت انواع گوناگون واژه‌های متشابه قرآنی و تمایز و تفاوت آن‌ها و بررسی امکان کاربرد هر دیدگاه و نحوه‌ی شمول و تعمیم آن در تبیین انواع واژه‌های متشابه قرآن یاری خواهد کرد.

### ۱-۳- پرسش‌ها و فرضیه‌ها:

چنان‌که خواهیم گفت، درباره‌ی واژه‌های متشابه قرآن دیدگاه‌های گوناگونی ابراز شده است که نظریه‌ی روح معنا یکی از آن‌هاست. پرسش ما آن است که این نظریه در تبیین این واژه‌ها دقیقاً چه می‌گوید؟ و چه تفسیرها و تقریرهای گوناگونی از این نظریه ممکن است به دست داده شود؟ و در طول تاریخ اندیشه و فرهنگ اسلامی، این دیدگاه چه تطوراتی داشته است؟ سرانجام پرسش نهایی ما آن خواهد بود که این نظریه چه نکات مثبتی دارد و در عین حال با چه نقدهایی مواجه است؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، گوهر این دیدگاه را مطرح و تفاسیر گوناگون از آن را نیز بررسی خواهیم کرد. سپس به بررسی تاریخی این نظریه خواهیم پرداخت و سرانجام به دستاوردهای مثبت و نیز نقدهای مربوط به این دیدگاه خواهیم پرداخت.